**بسمه تعالی**

**مسجد در صدر اسلام و نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی**

**مرتضی رستگاری**

چکیده

**پژوهش‌های تاریخی انجام‌شده درباره‌ی جایگاه مسجد میان مسلمانان نشان می‌دهد که مسجد نخستین و مهم‌ترین مرکز و نهاد در جامعه‌ی اسلامی است. در این مقاله، به اختصار ابعاد و کارکردهای عبادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی مسجد را در صدر اسلام یادآوری می‌کنیم و نقش آن را به‌صورت تطبیقی در پیروزی انقلاب اسلامی ایران بیان می‌کنیم.**

کارکردهای مسجد در صدر اسلام

مسجد نخستین و مهم‌ترین مرکز و نهاد جامعه‌ی اسلامی، از صدر اسلام تاکنون، بوده است و این کارکردهای عبادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی را داشته است:

1 . کارکرد عبادی مسجد

براساس آنچه از قرآن کریم استفاده می‌شود، یکی از اهداف آفرینش عالم و موجودات «عبادت»[[1]](#footnote-1) و «تقرب الی اللّه» است.[[2]](#footnote-2) عبادت در مورد انسان دو معنای عام و خاص دارد. عبادت در معنای عام هر رفتار و کرداری را شامل می‌شود که رضایت و خشنودی خداوند در آن باشد. عبادت در معنای خاص رازونیاز با خداوند، ذکر و یاد او و سخن‌گفتن با اوست و عباداتی چون دعا، ذکر، تلاوت قرآن و برپایی نماز را شامل می‌شود.

بی‌شک، در پیدایش توجه قلبی عوامل فراوانی نقش دارند که از جمله‌ی آن‌ها «مکان عبادت» است. مسجد با ویژگی‌های خاص خود بهترین و مناسب‌ترین مکان برای حضور در درگاه الهی و شکرگذاری اوست. نخستین مسجد در نظام آفرینش کعبه و مسجدالحرام بوده است.[[3]](#footnote-3) پیامبر گرامی اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله) از نخستین روزهایی که دعوت به دین اسلام را به‌صورت آشکار شروع کرد، از مسجدالحرام همچون پایگاهی اساسی بهره گرفت.[[4]](#footnote-4) شواهد تاریخی گواه است که پیامبر گرامی اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله) علاوه بر حضور در مسجد و اقامه‌ی عبادت در آن، دیگر مسلمانان را نیز ترغیب و تشویق می‌کرد تا به مسجد رفت‌وآمد کنند. پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه‌ی معصوم(علیهم‌السلام) بر اقامه‌ی نماز، به‌ویژه نماز جماعت، در مسجد بسیار تأکید کرده‌اند و برای آن فضایل بسیاری نقل کرده‌اند.[[5]](#footnote-5) ازسوی‌دیگر، قرآن کریم هر کسی را که به نقش بنیادین مسجد، یعنی «عبادت و پرستش»، آسیب برساند ظالم می‌داند و می‌فرماید: «وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَساجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فيهَا اسْمُهُ وَ سَعى‏ في‏ خَرابِها»، کیست ستمکارتر از آن کسی که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرده و سعی در ویرانی آن می‌نماید.[[6]](#footnote-6)

در صدر اسلام، مسلمانان به برپایی نمازهای جماعت - که مظهر بندگی، شکوه، حیات و وحدت امت اسلامی است - بیش از امروز اهمیت می‌دادند. اما باید گفت که در طول تاریخ هزار و چهارصدساله‌ی اسلام، کارکرد مسجد در بعد عبادی هرگز کاملاً افول نکرده است؛ اگر چه در زمینه‌های دیگر با فرازونشیب بسیار همراه بوده است. ویل دورانت، مورخ تمدن‌نگار مشهور غربی، در گزارشی از جوامع اسلامی چنین می‌نویسد:

پیش از آفتاب و نیمه‌ی روز و پیشگاه و نزدیک غروب مؤذن بر گلدسته بالا می‌رود و به‌وسیله‌ی اذان مسلمانان را به نماز می‌خواند! به‌راستی چه نیرومند است و شریف این دعوت که مردم را پیش از طلوع آفتاب به بیداری دعوت می‌کند، چه خوب است که انسان به هنگام نیم‌روز از کار باز ایستد و چه بزرگ و باشکوه است که ضمیر انسان در سکوت شب به جانب خداوند جل‌جلاله توجه کند.[[7]](#footnote-7)

برخی کارکردهای عبادی مسجد، مانند اقامه‌ی نماز جمعه، جنبه‌ی سیاسی به خود می‌گیرد و روند دیگری پیدا می‌کند. پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله) هنگام هجرت و قبل از رسیدن به مدینه، در فاصله‌ی پانصدمتری مسجد قبا و در محلی که اکنون مسجد جمعه در آن بنا شده است، اولین نماز جمعه‌ی تاریخ اسلام را خواند. ایشان پس از ورود به مدینه، نماز جمعه را به‌صورت‌مرتب اقامه کرد. روایات زیادی در منابع دینی فریقین نقل شده است مبنی‌بر حضور انبوه مردم در نماز جمعه و خطبه‌های رسول گرامی اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله). این سنت در زمان خلفای ثلاثه، امام علی(علیه‌السلام) و طبق برخی نقل‌ها امام حسن مجتبی(علیه‌السلام) رواج داشت و به مساجد جامع و مرکزی شهرهای اسلامی نیز توسعه یافت. ولی پس از آن دوران، به‌تدریج با انحراف از جایگاه واقعی‌اش روزبه‌روز کمرنگ‌تر شد.

 قبل از انقلاب اسلامی ایران نیز هیچ‌گاه نماز جمعه همه‌جا و به‌صورت عمومی و مرتب برگزار نشده بود. اولین کسی که در دوران رژیم منحوس پهلوی خواهان احیای نماز جمعه شد، شهید نواب صفوی بود. اما پس از انقلاب اسلامی این فریضه‌ی الهی با همان عظمت، شکوه و خصوصیاتش در صدر اسلام دوباره احیا شد. پروفسور حامد الگار در مقاله‌ای با عنوان «امام خمینی و احیای نماز جمعه» می‌نویسد: «احیای واقعی نماز جمعه در ایران یکی از دست‌آوردهای عظیم انقلاب اسلامی ایران است و ما آن را مانند بسیاری از برکات مدیون حضرت امام هستیم».[[8]](#footnote-8) امام خمینی(رحمة‌الله‌علیه)، مانند عده‌ای از فقها، جایگاه ویژه‌ای برای اقامه‌ی نماز جمعه در عصر غیبت قائل بودند. ایشان در تحریرالوسیله، ضمن تبیین احکام نماز جمعه، می‌فرماید:

نماز جمعه و دو خطبه‌ی آن از جایگاه عظیم سیاسی مثل حج و عید قربان و فطر برای مسلمانان برخوردار است؛ ولی متأسفانه مسلمانان از این‌گونه وظایف سیاسی غفلت کرده‌اند. اسلام در تمام شئونش دین سیاست است و کسی که کمترین تفکر و تأملی در احکام حکومتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام داشته باشد این را می‌فهمد. هر کس توهم کند که دین از سیاست جداست، نادانی است که نه اسلام را فهمیده و نه سیاست را.[[9]](#footnote-9)

امام خمینی(رحمة‌الله‌علیه) همچنین در تبیین اهمیت نماز جمعه در یکی از بیاناتشان می‌فرمایند: «یکی از مهم‌ترین چیزهایی که در این انقلاب حاصل شد، قضیه‌ی نماز جمعه است... به حمدالله در این نهضت نماز جمعه با محتوای حقیقی آن تحقق یافت... مردم و نسل‌های آینده به این مسئله اهمیت بدهند که نماز جمعه در رأس همه‌ی امور است».[[10]](#footnote-10) ایشان در سخنان دیگری درباره‌ی محتوای خطبه‌ها فرموده‌اند: «در خطبه‌ی نماز جمعه مقدرات مملکت بیان بشود، مسائل سیاسی که در مملکت جریان پیدا می‌کند، مسائل اجتماعی که در مملکت باید جریان پیدا کند، گرفتاری‌های مسلمان‌ها، اختلافات مسلمان‌ها در آن خطبه‌ها باید طرح بشود و رفع بشود».[[11]](#footnote-11)

یکی دیگر از کارکردهای عبادی مسجد سنت اعتکاف است. اعتکاف اقامت در مسجد به قصد عبادت و نزدیکی به خداست. پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله) با وجود همه‌ی عظمت روحی و کمالات انسانی به اعتکاف بسیار اهمیت می‌دادند. در روایتی از امام صادق(علیه‌السلام) می‌خوانیم:

«کانَ رَسوُلُ اللّهِ(صلی‌الله‌علیه‌وآله) اِذا کانَ الْعَشْرُ اْلاَواخِر اِعْتَکَفَ فِی الْمَسْجِدِ وَ ضُرِبَتْ لَهُ قُبَةٌ مِنْ شَعْرٍ وَ شَمَّرَ الْمِئْزَرَ وَ حَلْوی فِراشَهُ»، رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) در دهه‌ی آخر (ماه رمضان) در مسجد معتکف می‌شد. برای آن حضرت خیمه‌ای مویین در مسجد بر پا می‌شد. حضرت برای اعتکاف مهیا می‌شد و بستر خویش را جمع می‌کرد.[[12]](#footnote-12)

سنت اعتکاف پس از رسول گرامی اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله) تا حدود زیادی فراموش شد؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌خصوص در سال‌های اخیر، رونق بسیاری پیدا کرد؛ به‌صورتی‌که در بیشتر شهرها به‌دلیل استقبال زیاد مشکل مکان به‌وجود می‌آید.

2 . کارکرد فرهنگی، آموزشی و تبلیغی مسجد

در صدر اسلام، از مسجد استفاده‌های فرهنگی، آموزشی و تبلیغی نیز می‌شد. دینی که با امر به خواندن، آموزش، قلم و مبارزه با جهل آغاز شود،[[13]](#footnote-13) طبیعی است به مرکز آموزش و تبلیغ نیز نیاز دارد و چه جایگاهی والاتر و بهتر از مسجد؟! شواهد تاریخی حاکی از آن است که پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و یارانش، قبل و بعد از هجرت، از مسجد برای آموزش و تبلیغ استفاده می‌کردند. آن حضرت پس از تبلیغ رسمی دین اسلام و قبل از هجرت به مدینه، تا آنجا که امکان داشت، از مسجدالحرام در راستای تبلیغ و ترویج دین و آموزه‌های اسلام بهره می‌گرفت. ازآنجاکه کعبه و مسجدالحرام، قبل از ظهور اسلام، جایگاه گردهمایی مردم بود و مشرکان برای پرستش بت‌ها و طواف کعبه به آنجا می‌رفتند، پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و یارانش از این فرصت نهایت استفاده را می‌بردند. گرویدن شماری از یاران پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) به اسلام، در مکه، ثمره‌ی چنین تبلیغاتی بود. برای نمونه می‌توان طفیل‌بن‌عمرو را نام برد. طفیل شاعر خردمندی بود که در قبیله‌اش نفوذ کلمه داشت. هنگامی‌که وی وارد مکه شد، سران قریش و بازیگران عرصه‌ی سیاست، از ترس گرایشش به اسلام، با جوسازی او را از حضور نزد پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و صحبت با او بر حذر داشتند. طفیل می‌گوید:

سخنان آنان به قدری در من مؤثر افتاد که مقداری پنبه در گوش‌هایم کردم، صبح وارد مسجدالحرام شدم و ناخودآگاه کلامی بسیار شیرین و لذت‌بخش به گوشم رسید! احساس مسرت کردم. با خود گفتم تو مرد سخن‌سرای خردمندی هستی، چه مانعی دارد سخن این مرد را بشنوی؛ اگر نیک بود آن را بپذیری و اگر زشت بود آن را رد کنی؟ برای ملاقات پنهانی با آن حضرت اندکی صبر کردم. حضرت به‌سوی منزل به راه افتاد. وقتی وارد خانه شد، اجازه‌ی ورود خواستم و جریان را برای حضرت توضیح دادم و خواستم آئین اسلام را برایم تشریح کند. آن حضرت آئین خود را عرضه داشت و مقداری قرآن برایم تلاوت کرد. به خدا سوگند کلامی زیباتر از آن نشنیده و آئینی معتدل‌تر از آن ندیده بودم! آن را پذیرفتم! سپس به حضرت گفتم در میان قبیله‌ی خود برای نشر آئین شما فعالیت خواهم نمود.

 ابن هشام در ادامه می‌نویسد:

طفیل تا روز حادثه‌ی خیبر در میان قبیله‌ی خود بود و به نشر آئین اسلام اشتغال داشت و در همان حادثه با هفتاد یا هشتاد خانواده‌ی مسلمان به پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) پیوست و در اسلام خود پایدار بود تا اینکه پس از درگذشت پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) در عصر خلفا در جنگ یمامه شربت شهادت نوشید.[[14]](#footnote-14)

نقش مسجد در فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و تبلیغی، پس از ورود پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) به مدینه، هرگز با قبل از آن قابل مقایسه نیست. با بنای مسجدالنبی نه‌تنها پرستشگاه خداوند متعال ساخته شد، بلکه دانشگاهی فعال و پرشور نیز پی‌ریزی شد. حضور منظم و پیوسته‌ی مسلمانان در این مسجد برای برپاداشتن نماز بهترین فرصت بود برای کارهای تبلیغی پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و آن حضرت نیز از این فرصت به‌خوبی استفاده کردند.[[15]](#footnote-15) درنتیجه می‌توان گفت، مسجد در صدر اسلام شاخص‌ترین ساحت فرهنگی و تربیتی اسلامی را به خود اختصاص داده بود. در متون اسلامی، روایات بسیاری درخصوص نقش علمی و آموزشی مسجد در صدر اسلام آمده است؛ برای نمونه به سه روایت اشاره می‌کنیم:

1 . شهید ثانی در منیة المرید نقل می‌کند:

پیامبر خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) روزی خانه را به قصد مسجد ترک کرد، در مسجد با دو گروه روبه‌رو شد. گروهی به مباحثات علمی و معارف اسلامی مشغول بودند و گروهی به دعا و نیایش! حضرت فرمود: هر دو گروه در مسیر خیر و صلاح هستند، یک گروه خدا را می‌خوانند و گروه دیگر به آموزش علم و آگاهی می‌پردازند! این گروه علمی از فضیلت بیشتری برخوردار است؛ زیرا که من برای تعلیم فرستاده شده‌ام! آن‌گاه در میان گروه علمی نشستند.[[16]](#footnote-16)

2 . امام صادق(علیه‌السلام) در روایتی می‌فرمایند:

و هیچ گروهی در مسجد خداوند متعال، به منظور تلاوت قرآن و مباحثه‌ی علمی پیرامون آن ننشستند، مگر اینکه آرامش قلبی آنان را فرا گرفت و فرشتگان الهی آنان را (با بال و پر خویش) در بر گرفتند.[[17]](#footnote-17)

3 . ابن‌عباس نقل می‌کند که از پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) شنیده است:

هیچ گروهی در خانه‌ای از خانه‌های من برای آموزش قرآن و بحث درباره‌ی آن اجتماع نکردند، مگرآنکه به مهمانی خداوند تعالی در آمده، تا زمانی که در مسجد به مباحثات علمی پیرامون قرآن مشغول هستند، ملائکه آنان را در بر خواهند گرفت (آنان را مورد حمایت و حفاظت خود قرار می‌دهند.[[18]](#footnote-18)

اختصاص روند آموزشی و علمی به صدر اسلام منحصر نیست؛ بلکه در دوره‌های بعد هم اندیشمندان، متخصصان و دانش‌پژوهان علوم و معارف اسلامی جلسات خود را در مسجد بر پا می‌کردند. مجالس تفسیر و قرائت قرآن، مباحث‌کلامی، فقهی و حدیثی در عصر ائمه(علیهم‌السلام) و پس از آن نیز، تاآنجاکه تضادی با منافع حکومت‌های وقت نداشت، در مساجد برگزار می‌شد. در دوران انقلاب اسلامی، مساجدی که مدیریت قوی و ائمه‌ی جماعات فعال و انقلابی داشتند، کلاس‌های مختلفی برگزار می‌کردند برای آگاهی‌دادن به مردم در زمینه‌های مختلف. این مساجد در بازگشت به خویش، خودشناسی و ارزیابی هویت فراموش‌شده‌ی ملت ایران بسیار مؤثر بودند.[[19]](#footnote-19)

3 . کارکرد سیاسی- اجتماعی مسجد

یکی دیگر از کارکردهای مسجد در صدر اسلام کارکرد سیاسی- اجتماعی بود. به‌صراحت می‌توان ادعا کرد، در کنار بعد عبادی مسجد، وسیع‌ترین و مهم‌ترین کارکرد مسجد کارکرد سیاسی-اجتماعی آن بوده است. مسجد پایگاه و مرکز همه‌ی فعالیت‌های سیاسی جامعه‌ی اسلامی و حتی دارالحکومه‌ی آن بوده است. همه‌ی ملاقات‌های عمومی در زمان پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله)، خلفای نخستین و امام علی(علیه‌السلام) در مسجد انجام می‌شد و حتی نمایندگان خارجی در مسجد به حضور پذیرفته می‌شدند. مسجد محل بیعت و اعلام برنامه‌های حکومتی نیز بود. ابن‌ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه می‌نویسد:

وقتی مردم هجوم آوردند تا با امام علی(علیه‌السلام) بیعت کنند، آن حضرت امتناع ورزید؛ ولی اصرارها در حدی بود که حضرت چاره‌ای نداشت. در این مرحله که مشروعیت الهی با مقبولیت عمومی همراه گشته و حجت بر آن حضرت تمام شد، امام حاکمیت را پذیرفت؛ ولی برای انجام بیعت فرمودند اگر به ناچار قرار است با من بیعت کنید، پس در مسجد! زیرا بیعت با من نباید به‌طور مخفی و پنهان باشد، بلکه باید با خواست مسلمانان و در ملأ عام و محل اجتماع مسلمین انجام گیرد. پس حضرت بلند شدند درحالی‌که مردم در اطرافش حرکت می‌کردند تا داخل مسجد شدند، مردم از هر طرف بر سر حضرت ریختند و با ایشان بیعت کردند.[[20]](#footnote-20)

روشن است که امروز بیعت به انتخابات تغییر نام یافته است و کارکرد سیاسی، با پیروزی غرورآفرین انقلاب اسلامی، در مساجد احیا شده است؛ به‌گونه‌ای‌که همه‌ی انتخابات گذشته (که درواقع هر انتخاب بیعتی جدید با نظام اسلامی است) در مجامع عمومی و مساجد صورت گرفته است.

مسجد در صدر اسلام همواره مجلس مشورتی مسلمانان در رویدادها نیز بوده است. بر اساس دستور قرآن کریم،[[21]](#footnote-21) پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله) در امور مختلف با افراد صلاحیت‌دار مشورت می‌کردند. مهم‌ترین این مشورت‌ها در حوزه‌ی نظامی، غزوات و تنظیم سیاست‌های دفاعی بود. یکی از مهم‌ترین مشورت‌ها در جنگ احد بود که پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) با اصحاب خود درباره‌ی نحوه‌ی جنگ مشورت کردند.[[22]](#footnote-22)

درواقع، پررنگ‌ترین نقش مساجد در دوران انقلاب اسلامی سیاسی بوده است. با فراگیرشدن انقلاب اسلامی، مسجدها جایگاهی مؤثرتر در این زمینه یافتند. سخنرانی‌های روحانیان و دانشگاهیان در مساجد مردم را بیش‌ازپیش با ابعاد فساد، ظلم، تبعیض و بی‌عدالتی ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور آشنا کرد. مساجد در طرد رژیم طاغوت از سوی مردم بسیار مؤثر بودند. پس از تبعید امام خمینی(رحمة‌الله‌علیه)، در سال 1343، مبارزه‌ی فعال سیاسی تقریباً فروکش کرد و مساجد رویکردی دیگر یافتند. امام خمینی(رحمة‌الله‌علیه)، معمار انقلاب اسلامی ایران، در ارتباط با این نقش می‌فرمایند: «مسجد در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بوده و از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است و مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوب کفار و واردکردن آن‌ها در زیر بیرق اسلام بوده است».[[23]](#footnote-23)

درواقع، سخنان امام خمینی(رحمة‌الله‌علیه) تلاشی است برای برگرداندن توجه به‌سوی فرهنگ اصیل اسلامی و ساماندهی حرکت‌های اسلامی از مساجد. مساجد که پایگاه‌های انقلاب بودند به‌صورت سنگرهای مستحکم برای مبارزه‌ی انقلابی‌ها درآمدند. براین‌اساس امام خمینی(رحمة‌الله‌علیه) با ژرف‌نگری خاص خود می‌فرماید: «مساجد و محافل دینیه را که سنگرهای اسلامی در مقابل شیاطین است، هر چه بیشتر گرم و مجهز نگه دارید».[[24]](#footnote-24) همچنین: «مسجد یک سنگر اسلامی است و محراب محل جنگ است، محل حرب است، این را می‌خواهند از دست شما بگیرند».[[25]](#footnote-25) در پی تأکیدهای رهبر کبیر انقلاب بر استفاده‌ی هرچه‌بیشتر از مساجد و بازگشت آن‌ها به نقشی که در صدر اسلام داشتند، یاران و شاگردان امام، با افشاگری در مساجد، آتش مبارزات را روزبه‌روز شدیدتر و رژیم منحوس پهلوی را ناکارآمدتر کردند. پایه‌های اصلی و اولیه‌ی انقلاب را شاگردان، نزدیکان و معتمدان امام بنا کردند. امام 400 شاگرد مخصوص تربیت کرده بودند که اثر آن‌ها در همه‌جا دیده می‌شد. در شرق تهران آیت‌اللّه امامی کاشانی، در جنوب تهران آقای ایروانی، در جنوب شرقی آیت‌اللّه غیوری، در شمیرانات آیت‌اللّه ملکی در مسجد همت، در مرکز تهران کانون توحید و مسجد پرچم و آیت‌اللّه شهید مطهری و در شمال امام جمارانی و مسجد شهید بزرگوار دکتر مفتح به کار تبلیغی و سیاسی مشغول بودند؛ ایشان در شهرستان‌ها نیز شاگردانی داشتند.[[26]](#footnote-26)

اصولاً در محور سیاسی، مساجد و نهادهای دینی، به واسطه‌ی عملکردشان و عملکرد مبارزاتی‌شان بر علیه حکومت‌ها، مورد توجه خاص کارگزاران دولت بود. چه اینکه می‌دیدم مسئولین بلندمرتبه‌ی رژیم شاه، چه عکس‌العمل‌های تندی درمقابل مسجد و مسجدی‌ها ابراز می‌داشتند و اعمال می‌کردند. بی‌خود نبود که سپهبد رزم‌آرا مهره‌ی حلقه‌به‌گوش شاه می‌گفت مسجد را بر سر کاشانی و مجلس را بر سر مصدق خراب می‌کنیم، در اینجا اهمیت و حساسیت سیاسی‌بودن مساجد را بهتر درک می‌کنیم.[[27]](#footnote-27)

در دوران انقلاب هم به‌طورطبیعی و بر اساس سابق تاریخی، مساجد ایران نقش خود را باز یافته و مرکز مبارزات ضد رژیم شاه بود. حمله به مسجد گوهرشاد در زمان رضا شاه و کشتار مردم، به توپ‌بستن حرم امام رضا(علیه‌السلام) توسط روس‌ها و همچنین حمله و به آتش‌کشیدن مسجد جامع کرمان و کشتار مردم نشانگر اهمیت مسجد در مبارزات مزبور و استفاده از آن به عنوان سنگر مبارزه، نشان عنادی است که قدرت سیاسی نسبت به این مکان مقدس داشته است.[[28]](#footnote-28)

در زمینه‌ی مسائل اجتماعی، مسجد در اوایل ظهور انقلاب، پایگاه ترغیب و تحریک مردم برای همکاری و همیاری در زمینه‌های مختلف بود. در مسجد بسیاری از مشکلات اجتماعی جامعه، با همکاری مردم، حل می‌شد. از کارهایی که صرفاً جنبه‌ی اجتماعی داشتند می‌توان به کمک‌های مردم در جریان زلزله‌ی طبس و کمک به خانواده‌هایی که سرپرست آن‌ها در زندان یا بازداشت بودند اشاره کرد.

مساجد و ائمه‌ی جماعات نه‌تنها اختلافات مالی مردم را حل‌وفصل می‌کردند، بلکه اختلافات خانوادگی و حتی قومی و محلی افراد را فیصله می‌دادند؛ چراکه متدینین و مؤمنین مجاز به مراجعه به دادگستری و محاکم قضایی نبودند... در مورد طلاق هم وضع به همین صورت بود. چون مراجع شرط صحت طلاق را وجود دو شاهد عادل برای جاری‌کردن صیغه‌ی طلاق می‌دانستند و دادگاه‌های زمان قبل از انقلاب مصداق این شرط نبودند؛ لذا بسیاری از طلاق‌ها و صیغه‌ی آن در سر نماز جماعت و با شاهدگرفتن از متدینین انجام می‌شد.[[29]](#footnote-29)

آقای هاشمی رفسنجانی درباره‌ی نقش مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی می‌گوید:

پس از تصویب کاپیتولاسیون و... ایشان (امام) تصمیم به مبارزه گرفتند و ما هم ستادی برای اداره‌ی مسائل مبارزه در این مقطع جدید ایجاد کردیم. امام هم اعلامیه دادند و هم آن سخنرانی معروف (در فیضیه) را کردند و هم به علمای سراسر کشور پیام‌هایی فرستادند. مسجد امام (شاه) هم پایگاهی مهم شده بود که در این مقطع هر شب یکی از چهره‌های مشهور آنجا سخنرانی می‌کرد، گروه‌ها در اداره‌ی قضایا فعالیت خوبی پیدا کرده بودند... (بنا شد) چندین هیئت تشکل جدید ایجاد کنند. امام هم موافقت کردند و چند روحانی مورد اعتمادشان را همچون آقایان مطهری، بهشتی و انواری برای پاسخ‌گویی سؤالات و تغذیه‌ی فکری‌شان انتخاب کردند... افرادی هم بودند که می‌خواستند کارهای تندتری انجام دهند. اوج تلاش‌های مبارزین آن ماه ترور منصور و بازداشت شاخه‌ی نظامی هیئت مؤتلفه بود. بعد از ترور منصور، مجلس مسجد جامع با تهاجم پلیس به هم خورد و ادامه پیدا نکرد.[[30]](#footnote-30)

همان‌گونه‌که ملاحظه کردید، این سخنان درواقع به احیای کارکرد نظامی مسجد در انقلاب اسلامی، همچون دوران صدر اسلام، اشاره می‌کند. از دیگر کارکردهای اجتماعی مسجد در صدر اسلام انجام امور درمانی در مواقع حساس بود. «در مسجد پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) جایگاهی برای معالجه‌ی بیماران و مجروحین معین شده بود و پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و یارانش در آنجا از بیماران عیادت می‌کردند».[[31]](#footnote-31) واقدی می‌نویسد: «در ماجرای جنگ احد مردم در مسجد چراغ و آتش برافروخته بودند و خستگان و مجروحان را مداوا می‌کردند».[[32]](#footnote-32)

روشن است که انجام این امور در مساجد به‌دلیل اضطرار و ناچاری بوده است. در صدر اسلام، به‌دلیل نداشتن مکان مناسب از مساجد چنین استفاده‌ای می‌شده است؛ زیرا معمولاً درمان جراحت‌ها با خون‌ریزی همراه است و این با مسجد سازگاری ندارد. در انقلاب اسلامی نیز معمولاً افرادی که جراحت‌های مختصر داشتند در برخی از مساجد مداوا می‌شدند؛ ولی نقش مساجد در انقلاب درواقع ساماندهی درمان مجروحان و تشکیل تیم‌های پزشکی برای مداوای آسیب‌دیدگان در مکان‌هایی غیر از مسجد بوده است.[[33]](#footnote-33) برای نمونه مسجد باب‌الحوائج و مسجد امام صادق(علیه‌السلام) در تبریز فعالیت‌های بهداشتی و درمانی داشتند و برخی بیمارستان‌های خیریه را اداره می‌کردند. حتی هزینه‌ی آسایشگاه جذامیان را مسجدها، مسجدی‌ها و افراد مؤمن تقبل می‌کردند. حتی برای اعاناتی که از مردم جمع می‌کردند قبوضی هم تهیه کرده بودند.[[34]](#footnote-34) برخی این نقش مساجد را عاملی برای جذب افراد به این مکان مقدس نام برده‌اند. [[35]](#footnote-35)

4 . کارکرد اقتصادی مسجد

حضور در نمازهای جمعه و جماعت به‌طورطبیعی مؤمنان را از حال و روز یکدیگر آگاه می‌کند و همیاری و همبستگی آنان را به دنبال دارد. در مساجد و جلسات مذهبی مؤمنان سعی می‌کنند مشکلات دیگر مؤمنان را حل کنند. بی‌شک از اقدامات بسیار مؤثر و کارآمد مساجد و جلسات مذهبی، قبل از انقلاب اسلامی، پشتیبانی‌های مالی از انقلاب و مبارزان بوده است.

در قبل از انقلاب بسیاری از مساجد چنین تشکیلاتی اقتصادی داشتند؛ ولی باتوجه‌به حساسیت رژیم که این نهادها را در مقابل بانک می‌دانست، اکثراً مخفی بود و افراد معتمد و نیکوکار، که اکثراً از قشر بازاری بودند، به صورت نهادینه اما غیرمحسوس این کارها را انجام می‌دادند و اتفاقاً بسیار هم مؤثر بود.[[36]](#footnote-36)

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

برخی از مجاهدان انقلابی بر این عقیده‌اند که اگر مسجد نبود انقلاب هم نبود.[[37]](#footnote-37) نقش مسجد در پیروزی انقلاب اسلامی به اندازه‌ای بود که نویسندگان مغرب‌زمین نیز آن را از جمله عناصر بسیار مهم و اساسی نامیده‌اند. حامد الگار، اندیشمند امریکایی، می‌نویسد:

مسجد هسته‌ی اساسی تشکیلات انقلاب ایران بود. شاید این هم یکی از دیگر نکاتی است که در مجموعه نتیجه‌گیری‌های خود باید به آن می‌پرداختیم. یکی از عناصر مهم در پیروزی انقلاب، احیای مجدد مسجد و تمام ابعاد عملکردی آن بود. نقش مسجد دیگر نه گوشه‌ی عزلت‌نشینی و گریزگاهی از جامعه بود که مردم برای دوری جستن از دنیا، گرفتن وضو، انجام عبادات یا گوش‌دادن به صوت قرآن به آن پناه می‌بردند؛ بلکه برعکس مسجد به یک کانون مبارزه و مرکز فرماندهی بدل گردید و به‌طورخلاصه مسجد تماماً آن چیزی شد که در عصر پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) بود.[[38]](#footnote-38)

امام خمینی در سخنان خود مسجد را رمز پیروزی ملت ایران بیان کردند:

رژیم اسلام این طور است که افرادش از مسجدند، از مسجد نهضت شروع می‌شد و از مسجد می‌رفتند به میدان، به میدان جنگ‌ها. در جمعه‌ها که خطابه می‌خواندند یا غیر جمعه که می‌رفت آن سردارشان منبر وصیت می‌کرد، از آنجا راهشان می‌انداخت برای اینکه بروند مبارزه کنند و یک همچنین روحیه که از مسجد تحقیق پیدا می‌کند، این دیگر نمی‌ترسد از این که حالا من بروم شاید چه بشود این مسجدی است. این الهی است. آدم الهی نمی‌ترسد ... .[[39]](#footnote-39)

همان‌گونه‌که مسجد در صدر اسلام نقش و جایگاه خاص خود در را پیشرفت اسلام ایفا کرد، در انقلاب اسلامی نیز نقش و تأثیر اساسی داشت. متأسفانه، با وجود همه‌ی برنامه‌های خوبی که در برخی مساجد کشور جاری است، در سالیان اخیر به مساجد توجه کافی نشده است. برخی از کارکردهای مسجد که در پیروزی انقلاب اسلامی نقش داشتند و به یقین در دوام و ثبات آن نیز نقش خواهند داشت، به‌دلیل پیدایش و تأسیس نهادها و مراکز دیگر کمرنگ یا فراموش شده‌اند. مشکلی که امام خمینی(رحمةالله‌علیه) نیز نگران آن بودند:

مساجد را خالی نگذارید، این‌هایی که صحبت این را می‌کنند که حالا ما انقلاب کرده‌ایم، برویم سراغ کارهای دیگر، خیر! انقلاب از مساجد پیدا می‌شود... مساجد را آباد کنید با مسجدرفتن خودتان.[[40]](#footnote-40)

من امروز باید بگویم که تکلیف است برای مسلمان‌ها، حفظ مساجد؛ امروز جزء اموری است که اسلام به او وابسته است... مساجد را پر کنید، اگر این مسجد و مرکز ستاد اسلام قوی باشد، ترس از فانتوم‌ها نداشته باشید، ترس از امریکا و شوروی و این‌ها نداشته باشید، آن روز باید ترسید که شما پشت بکنید به اسلام، پشت بکنید به مساجد.[[41]](#footnote-41)

منبع: مرکز رسیدگی به امورمساجد

1. . سوره‌ی ذاريات، آيه‌ی 56 [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره‌ی رعد، آيه‌ی 15 [↑](#footnote-ref-2)
3. . سوره‌ی آل‏عمران، آيه‌ی 96 [↑](#footnote-ref-3)
4. . اسدالغابة، ج 3، ص 414 و الاصابة، ج 2، ص 480 و فروغ ابديت، ج 1، ص 243، قم، دفتر تبليغات اسلامى، 1370. [↑](#footnote-ref-4)
5. . اصول كافى، ج 3، ص 373، باب فضل الصلاة فى الجماعة و دارالكتاب الاسلامية، ج 6، 1365. [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره‌ی بقره، آيه‌ی 114 [↑](#footnote-ref-6)
7. . تاريخ تمدن، ويل دورانت، ج 4، ص 273، تهران، آموزش انقلاب اسلامى، 1371. [↑](#footnote-ref-7)
8. . امام خمينى و احياى نماز جمعه، حامد الگار، مجموعه مقالات كنگره‌ی بين‏المللى امام خمينى و احيا تفكر دينى، ج 2، ص 433. [↑](#footnote-ref-8)
9. . تحرير الوسيله، امام خمينى، ج 1، ص 234، مسئله‌ی 9، قم، اسماعيليان، 1408ه.ق. [↑](#footnote-ref-9)
10. . صحيفه‌ی نور، ج 18، ص 195. [↑](#footnote-ref-10)
11. . همان، ج 4، ص 447. [↑](#footnote-ref-11)
12. . كافى، ج 4، ص 175، باب الاعتكاف، ح 1. [↑](#footnote-ref-12)
13. . سوره‌ی علق، آیه‌ی 1، 4 و 5 [↑](#footnote-ref-13)
14. . فروغ ابديت ، ج 1، ص 336 ـ 337، به نقل از سيره‌ی ابن‏هشام. [↑](#footnote-ref-14)
15. . سيماى مسجد، ج 2، فصل ششم، رحيم نوبهار، قم، نشر مؤلف، 1376. [↑](#footnote-ref-15)
16. . منية المريد، ص 107، شهيد ثانى، قم، دفتر تبليغات اسلامى، 1409ه.ق. [↑](#footnote-ref-16)
17. . عوالى اللآلى، ج 1، ص 375، ابن ابى‏الجمهور احسائى، قم، سيد الشهداء، 1405ه.ق. [↑](#footnote-ref-17)
18. . مستدرك الوسائل، ج 3، ص 363 ـ 364، محدث نورى، قم، آل‏البيت، 1408ه.ق. [↑](#footnote-ref-18)
19. . مسجد و انقلاب اسلامى، رضا شريف پور، ص 124، تهران، مركز اسناد انقلاب اسلامى، 1380. [↑](#footnote-ref-19)
20. . شرح نهج البلاغه، ج 11، ص 9، عبدالحميد بن ابى الحديد معتزلى، قم، كتابخانه‌ی آيه‏الله مرعشى، 1404ه.ق. [↑](#footnote-ref-20)
21. . سوره‌ی آل‏عمران، آيه‌ی 159 [↑](#footnote-ref-21)
22. . فروغ ابديت، ج 2، ص 34 ـ 37. [↑](#footnote-ref-22)
23. . صحيفه‌ی نور امام خمينى ، ج 7، ص 65. [↑](#footnote-ref-23)
24. . همان، ج 2، ص 485. [↑](#footnote-ref-24)
25. . همان، ج 13، ص 362. [↑](#footnote-ref-25)
26. . مسجد و انقلاب اسلامى، ص 88 ـ 89. [↑](#footnote-ref-26)
27. . مسجد و انقلاب اسلامى، ص 85. [↑](#footnote-ref-27)
28. . تحليلى در انقلاب اسلامى، ص 91، دكتر منوچهر محمدى، تهران، اميركبير، 1373. [↑](#footnote-ref-28)
29. . همان، ص 74. [↑](#footnote-ref-29)
30. . همان، ص 112. [↑](#footnote-ref-30)
31. . الآداب الطبية فى الاسلام، ص 69، جعفر مرتضى عاملى، جامعه‌ی مدرسين، 1362. [↑](#footnote-ref-31)
32. . مغازى، ج 1، ص 180 و از سيماى مسجد، ج 2، ص 207. [↑](#footnote-ref-32)
33. . مصاحبه‌ی نگارنده با حاج عبدالكريم احمدى، از مبارزان دوران انقلاب و دفاع مقدس، 25/3/1382. [↑](#footnote-ref-33)
34. . مسجد و انقلاب اسلامى، ص 75. [↑](#footnote-ref-34)
35. . همان، ص 75. [↑](#footnote-ref-35)
36. . همان، ص 77. [↑](#footnote-ref-36)
37. . مصاحبه‌ی نگارنده با حاج عبدالكريم احمدى. [↑](#footnote-ref-37)
38. . دين و دولت در ايران، ص 154، حامد آلگار، ترجمه‌ی ابوالقاسم سرى، تهران، طوس، 1365. [↑](#footnote-ref-38)
39. . صحيفه‌ی نور، امام خمينى، ج 9، ص 89. [↑](#footnote-ref-39)
40. . همان، ج 12، ص 500 ـ 501. [↑](#footnote-ref-40)
41. . همان، ج 13، ص 19 ـ 21. [↑](#footnote-ref-41)